

تحلیل و بررسی سیاست فرهنگی ابناء الرضا (امامان جواد، هادی و عسکری^(ع))

روح اله دهقانی^۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۱۵

چکیده

ائمه طاهرین^(ع) رهبران برگزیده الهی برای جامعه بشری و تبیین گر پیام رسولان الهی و هادیان مردم بوده‌اند. بخش عمده‌ای از تلاش ایشان معطوف به توسعه فرهنگی عصر خود بوده است. با عبور جریان امامت از فراز و نشیب‌هایی که پس از رحلت رسول خاتم (ص) بر ایشان تحمیل شد، پس از ولایت عهدی امام رضا^(ع) در عهد مأمون و شهادت ایشان تا دوره غیبت حضرت حجت (عج)، امامان نهم، دهم و یازدهم در فاصله بیش از نیم قرن عهده دار این منصب خطیر بودند. در این مقاله به بررسی سیاست‌های فرهنگی امامان^(ع) در این دوره پرداخته شده است.

در این مقاله با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای اطلاعات مورد نیاز جمع آوری و در چارچوب مدل چرخه‌ای سیاست‌گذاری تحلیل شده است. بر اساس مدل چرخه‌ای برای تحلیل سیاست‌های فرهنگی ابتدا «مسئله‌شناسی» و در ادامه «طراحی و انتخاب» سیاست و پس از آن «اجرا» و در نهایت «ارزیابی» سیاست صورت خواهد گرفت. مسائل فرهنگی این عصر در سه دسته: مسائل دستگاه خلافت، مسائل فرهنگ عمومی و مسائل فرهنگ شیعی تحلیل شده‌اند و سپس سیاست‌های فرهنگی امامان این عصر^(ع) بررسی و تحلیل شده است؛ سیاست‌هایی که از لایه‌های بنیادین فرهنگ (اعتقادات و ارزش‌ها) تا لایه‌های رفتاری را مورد تأثیر قرار داده‌اند.

واژه‌های کلیدی:

فرهنگ، سیاست فرهنگی، امام نهم، دهم و یازدهم^(ع)

مقدمه

امام بر اساس اعتقاد شیعیان، بر انبیا و جانشینان آنان اطلاق می‌شود که از جانب خداوند متعال دارای منصب والای امامت و ولایت هستند. امام به این معنا، دارای ولایت مطلقه در امور دین و دنیا و معصوم از گناه و مصون از هر گونه لغزش، اشتباه و فراموشی و حجت بر خلق و خلیفه خداوند در زمین است (سوره ص، آیه ۲۶ و سوره انبیاء، آیه ۷۳) احکام صادر شده از ائمه^(ع) خواه مفاد قول آنان باشد یا مستفاد از فعل یا تقریر ایشان به ضرورت مذهب شیعه و اتفاق همه فقها، حجت است (بروجردی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۱۹).

پس از رحلت رسول گرامی اسلام^(ص) ایشان در احادیث متواتری جانشینان خود را مشخص و حتی در برخی موارد نام شریف ایشان را نیز ذکر کردند. پس از هشتمین امام که مأمون عباسی ایشان را پس از انتصاب به ولایت عهدی و هجرت اجباری به توس به شهادت رساند تا دوره غیبت امام دوازدهم (عج)، امامان جواد الائمه، هادی و حسن عسکری^(ع) به تصدی منصب امامت پرداختند. جایگاه والای حضرت رضا^(ع) سبب شده بود تا امامان نهم، دهم و یازدهم، معروف به «ابن الرضا» باشند. (طبرسی، ج ۲: ۱۳۱؛ مجلسی، ج ۵۰: ۲۳۸) کنیه امام جواد^(ع) (۱۹۵-۲۲۰ ق) ابوجعفر و طبق نقلی ابو محمد است. القاب ایشان تقی، مرتضی، قانع، جواد، منتجب، هاشمی و حسینی و معروف‌ترین آن‌ها «جواد» است. (طبرسی، ۱۳۸۵: ۱۰-۱۵) حضرت جواد^(ع)، دو پسر و دو دختر به نام‌های علی (امام دهم)، موسی، فاطمه و امامه به یادگار گذاشتند.

امام هادی^(ع) (۲۲۰-۲۵۴ ق) حضرت علی بن محمد النقی و معروف به ابن الرضا^(ع) بود. ایشان از هشت سالگی رسالت بزرگ رهبری امت را بر دوش

می‌گیرد، ولی از همان آغاز به بهانه تربیت و آموزش در خانه‌ای در صریا اطراف مدینه تا حدود ۱۳ سالگی تحت نظر قرار می‌گیرد و سپس در تبعیدگاه سامرا ۲۰ سال رایت نورانی امامت را برافراشته نگه می‌دارد. ایشان ده سال با معتصم برادر مأمون، پنج سال در عصر واثق پسر معتصم، حدود ۱۶ سال با متوکل، شش ماه با منتصر پسر متوکل و چهار سال با مستعین پسر عموی منتصر و سه سال با معتز پسر متوکل معاصر است.

پدر امام منتظر، حضرت ابو محمد حسن بن علی عسکری^(ع) (۲۳۲/۲۳۱-۲۶۰ ق.) یازدهمین امام شیعیان است. مکان ولادت حضرت بنا بر قول مشهور مدینه است. (معروف حسنی، ۱۳۷۶: ۵۰۳، جعفریان، ۱۳۸۱: ۵۳۷؛ مسعودی، ۱۳۷۴: ۵۹۹) اسم شریف آن حضرت، حسن و کنیه‌اش ابومحمد و مشهورترین لقب‌های ایشان زکی و عسکری است. خالص، هادی، خاص، صامت، سراج، تقی، از دیگر القاب آن امام همام است. همچنین «ابن الرضا» عنوانی است که امام یازدهم و پدر و جد بزرگوارشان به آن شهرت یافته‌اند.

گرچه مبانی سیاست‌های فرهنگی ائمه^(ع) از ثبات و چارچوب مشخص و ثابتی برخوردار بوده، شرایط محیطی و امکانات موجود در هر دوره سبب می‌شده تا تفاوت‌هایی در سیاست‌های ایشان دیده شود. در این مقاله تلاش خواهد شد تا با استفاده از تحلیل روایات تاریخی که به دست رسیده است، بررسی سیاست‌های فرهنگی امامان جواد، هادی و عسکری^(ع) صورت گیرد.

به این منظور در ابتدا چارچوب نظری سیاست گذاری فرهنگی به اختصار مورد اشاره قرار خواهد گرفت و براساس این چارچوب، در ادامه مسائل فرهنگی یا محیط فرهنگی این دوره تحلیل خواهد شد و در ادامه، سیاست‌های

فرهنگی که این بزرگواران دنبال کرده‌اند، واکاوی خواهد شد.

۱. چارچوب نظری

همچنان که گفته شد پیش از مطالعه سیاست‌های فرهنگی امامان بزرگوار نهم، دهم و یازدهم^(۴) به تعریف سیاست فرهنگی و مراحل آن اشاره خواهد شد و سپس براساس تعاریفی که در این بخش ارائه شده است، مطالعه سیاست فرهنگی امامان دوره مد نظر انجام خواهد شد.

۱.۱. فرهنگ

فرهنگ مجموعه‌ای تام از خصوصیات معنوی، مادی، فکری و عاطفی است که جامعه یا گروه اجتماعی را متمایز می‌کند. بنابراین نه تنها دربرگیرنده هنر و ادبیات است بلکه شیوه‌های زندگی، حقوق اساسی بشر، نظام ارزش‌ها، سنت‌ها و باورها را دربرمی‌گیرد (یونسکو، ۱۳۷۶: ۲۸۰).

توضیح این تعریف را می‌توان به صورت خلاصه در جدول زیر نشان داد:

«مجموعه‌ای تام است» یعنی: - یک کل یکپارچه است که خصوصیت پدیده آفرینی دارد. - شبکه‌ای از معانی است که انسان برای خود پدید آورده است. - مانند یک کوه یخ، بزرگ‌ترین قسمت فرهنگ در زیر اندیشه آگاهانه پنهان است. - قوانین فرهنگی پنهان در نهایت شیوه نگرش مردم به جهان را تعیین می‌کنند.	
«دارای ابعاد معنوی، مادی، فکری و عاطفی است» یعنی: - ترکیبی خاص از ایده‌ها، تصورات، داستان‌ها، ارزش‌ها و احساساتی است که مردم از آن‌ها الهام می‌گیرند و شیوه رفتارشان را کنترل می‌کند. - در اسطوره جلوه می‌کند؛ از طریق اسطوره می‌توانیم نظری به عمیق‌ترین و پنهانی‌ترین لایه‌های ساخت یک فرهنگ ببینیم. - در زبان جلوه می‌کند؛ دستور زبان و لغات ارائه دهنده چشم‌اندازی منحصر به فرد از واقعیت هستند. - روش متمایز اندیشیدن و آموختن درباره جهان است.	
«متمایز کننده جامعه است» یعنی: - برنامه ریزی جمعی ذهن است که اعضای گروهی را از دیگر گروه‌ها متمایز می‌کند. - در نهادهای خاص، نظام قانونی، شیوه‌های حکومت، الگوهای خانواده و عرف اجتماعی جامعه بیان می‌شود. - گاهی اوقات مبهم یا گسسته می‌شود و باعث مشکلات شخصی و اجتماعی جدی می‌شود.	
«در بر دارنده هنر و ادبیات است» یعنی: - به متعالی‌ترین صورت و شریف‌ترین گونه در بیان هنری جلوه می‌کند. - از طریق هنر پرورش و جهت می‌یابد، خواه نقاشی، حکاکی، آواز، رقص یا متن باشد.	
«شامل شیوه‌های زندگی است» یعنی: - به هنگام سلامت به تدریج و دایم تغییر و تحول می‌یابد. - چیزی نیست که بتوان در موزه حفظ اش کرد. - اغلب با تجلیات فرهنگ اشتباه می‌شود. لباس، هنرهای دستی و ابزارها نگره‌داشتنی هستند. - تنها به وسیله درونیات فرهنگ قابل تغییر و بازبینی است.	

فرهنگ را می‌توان در سطوح چهارگانه زیر طبقه‌بندی کرد:

۱- باورها و مفروضات اساسی

۲- ارزش‌ها

۳- آداب و الگوهای رفتاری

۴- نمادها و مصنوعات (همچنین ر.ک: شاین، ۱۹۹۷)

تلقی از فرهنگ، امکان یا امکان ناپذیری برنامه‌ریزی فرهنگی، نقش فرهنگ در نظام برنامه‌ریزی، رابطه فرهنگ با دیگر عناصر نظام اجتماعی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی، پویایی و ایستایی فرهنگ، هر کدام برای برنامه‌ریزی فرهنگی در بردارنده دلالت‌ها و الزام‌های گوناگونی است. نوع تلقی از هر یک از مسائل یادشده، انگاره‌ای متفاوت از نظام برنامه‌ریزی فرهنگی را ایجاد می‌کند. (فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲: ۳۰-۳۱)

۱.۲. سیاست فرهنگی

«سیاست فرهنگی» به اقدامات و فعالیت‌های عامدانه و از پیش طراحی شده‌ای گفته می‌شود که نهادهای مختلف از قبیل دولت، بازار یا جامعه مدنی از خود بروز می‌دهند؛ بر این اساس سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها را می‌توان از رویکردهای متفاوتی بررسی کرد. به عنوان نمونه از منظر مدیریتی و اجرایی بررسی سیاست‌های فرهنگی معطوف به اثربخشی و میزان بهره‌وری و ارزیابی عملی برنامه‌هاست. علاوه بر رویکرد مدیریتی، می‌توان با رهیافت جامعه‌شناختی نهادهای تولیدکننده و اشاعه‌دهنده محصولات و خدمات فرهنگی و نحوه چینش این نهادها را کرد. (جیم مک‌گویان، ۱۳۸۸: ۷-۸)

سیاست فرهنگی را می‌توان هم در معنای محدود و هم در معنای گسترده

بررسی کرد. در معنای محدود عبارت است از اقداماتی که متولیان انجام می‌دهند و پیامد اقدامات سیاست‌گذاران است و در معنای گسترده ستیزه و نزاع در موضوعات فرهنگی قلمداد می‌شود. (همان: ۲۵)

سیاست پژوهان روند سیاست‌گذاری را با عنوان مدل مرحله‌ای سیاست‌گذاری یا چرخه سیاست‌گذاری به مراحل گوناگونی تقسیم کرده‌اند. مهم‌ترین این مراحل عبارتند از:

- تشخیص و صورت‌بندی مسئله؛
- مبانی نظری و شناسایی راه‌حل‌ها؛
- تصمیم‌گیری؛
- اجرا، نظارت و انتخاب ابزار سیاست‌گذاری؛
- ارزیابی سیاست اجرا شده. (اشتریان، ۱۳۹۱: ۱۷-۱۸)

با توجه به توضیح مفهوم فرهنگ و سیاست فرهنگی مدنظر، کلیه رفتارهایی که به صورتی در ایجاد، تغییر و تقویت و تثبیت لایه‌های مختلف فرهنگ تأثیر داشته باشند، ذیل این چارچوب قابل بحث است. چه بسا رفتارهای اقتصادی که تأثیرات فرهنگی به دنبال داشته باشند. گو این که ائمه^(ع) همواره همه چیز را در خدمت پایه ریزی، ترویج و گسترش فرهنگ متعالی مدنظر خود قرار داده‌اند که در این مقاله به زوایایی از آن اشاره خواهد شد. همچنین تلاش خواهد شد این بررسی ذیل چارچوبی که در خصوص چرخه پنج مرحله‌ای سیاست‌گذاری گفته شد، صورت گیرد.

علاوه بر این، با توضیحاتی که در تعریف سیاست فرهنگی گفته شد ملاحظه می‌شود که به تعریف سنتی از سیاست فرهنگی که آن را محدود به اقدامات و

فعالیت‌های حکومت‌ها می‌کرد، خدشه وارد شده است. و در تعاریف جدیدتر، اقدامات و فعالیت‌های عناصر جامعه مدنی نیز ذیل سیاست فرهنگی قابل مطالعه شده است. با این رویکرد جدید، اقدامات و فعالیت‌های فرهنگی امامان^(ع) به عنوان رهبران اصلی دینی و معنوی مردم را می‌توان در هر دوره‌ای ذیل عنوان سیاست‌های فرهنگی مطالعه کرد. اما واقعیت آن است که چنین تلقی از جایگاه امامان معصوم^(ع) بسیار محدود و مبتنی بر نداشتن درک واقعی از جایگاه این بزرگواران است. چرا که ایشان جانشینان پیامبر خاتم^(ص) بوده‌اند و همانند آن بزرگوار رسالت تحول فرهنگی در میان جهانیان را داشته‌اند و طبیعی است سیاست‌هایی را در عرصه فرهنگی مطمح نظر داشته باشند.

۲. مسئله شناسی فرهنگی؛ محیط شناسی فرهنگی سده سوم (۱۹۵-۲۶۰ ق.هـ.)

بر اساس مدل چرخه‌ای سیاست گذاری فرهنگی، گام اول در تحلیل سیاست‌های فرهنگی، شناسایی مسائلی است که سیاست‌های فرهنگی در برابر آن‌ها طراحی و اجرا شده است. محیط فرهنگی امامانی که در طول ۶۵ سال آغازین سده سوم قمری، عهده دار امر امامت و ولایت بودند در این بخش بررسی شده است.

۲.۱. مسائل فرهنگی دستگاه خلافت

عباسیان که به بهانه وابستگی به پیامبر^(ص) بر کرسی خلافت نشستند خلافت و حکومت ابزاری برای بهره‌کشی از مردم و غارت جان و مال و نوامیس محرومان تبدیل شد. واثق خلیفه عباسی در سنگدلی و بی‌رحمی، رویه^۲ مأمون و پدرش را پیش گرفته بود و جان افراد بسیاری را در مسئله^۳ «حدوث یا قدم قرآن» گرفت

و بسیاری را به زندان افکند و شکنجه کرد.

متوکل کاخ‌های متعدد ساخته بود، دوازده هزار کنیز در کاخ خود داشت و خلاصه آن که غارت بیت المال در دوره او به اوج خود رسیده بود (پیشوایی، ۱۳۸۸: ۵۹۳-۵۹۴). میگزساری و فسق و فجور و رقص و موسیقی بر کاخ‌ها و درباریان و فقر و شمشیر و توهین و تحقیر بر توده‌های مردم حاکم بود و بیشترین فشارها و زندان و تبعید و فرار و اعدام و تعقیب، علویان و فرزندان فاطمه^(س) را تهدید می‌کرد. به حدی کار بر بانوان علوی سخت شد که لباس درستی برای آن که در آن نماز بخوانند، نداشتند. تنها یک پیراهن مناسب برای نماز در دست آنان بود که به نوبت در آن نماز می‌خواندند. ولی پس از نماز آن را در می‌آوردند و به همان جامه‌های کهنه و بدون جامه به چرخ ریسی می‌پرداختند. (قمی، ۱۳۲۵: ۳۲۳) در این دوران سخت جاهلیت عباسیان، دوباره دنیا بر مدار کفر و مراد جور می‌گردد. شمشیرهای دفاع از اسلام و اهل بیت^(ع) شکسته و حلقوم‌ها بریده، دارها برچیده و خون‌ها شسته‌اند. بر مزار آباد شهیدان و قبرستان سرد و ساکت زندگان، شب سیاه هراس و خفقان سایه افکنده و وای جغدی هم به گوش نمی‌رسد. (مهدی پور، ۱۳۸۶: ۲) دوران متوکل، سخت‌ترین روزگار برای شیعیان و علویان در دوره عباسی، بلکه در سراسر تاریخ تشیع به شمار می‌رود. او کینه^۴ و صف ناپذیری از خاندان پیامبر^(ص) در دل داشت و این کینه، سبب تجاوز و ستم به شیعیان آنان نیز شد؛ به گونه‌ای که همگی با به قدرت رسیدن او، آواره و بی‌خانمان شدند. مستعین احمد بن محمد بن معتصم بسیار شهوت پرست و اسراف کار بود و شیوه^۵ سخت‌گیری‌های خلفای پیشین را از سر گرفت و فساد و عیاشی فراگیر شد (شریف قرشی، ۱۳۷۱: ۴۳۴).

به صورت خلاصه می‌توان برخی آسیب‌ها و مسائل فرهنگی که دستگاه خلافت آن‌ها را ایجاد کرده بود، به شرح زیر بیان کرد:

۱- ترویج الگوی اسلام اشرافی در برابر الگوی اسلام علوی

این جریان که با غضب خلافت در دستگاه اموی پایه ریزی شده بود، در این دوره همچنان ترویج و رفتارها و نمادهای فرهنگی اشرافی در دستگاه امارت دنبال می‌شد. (مسعودی، ۱۹۸۵، ج ۲: ۵۶۸؛ شریف قرشی، ۱۳۷۱: ۳۲۵)

۲- مقابله با ترویج مناقب و جایگاه اهل بیت^(ع)

مهم‌ترین جریانی که در مقابل عباسیان می‌توانست مدعی حق جانشینی پیامبر^(ص) باشد، فرزندان امیرالمؤمنین^(ع) بودند که تجلی آن در امامان معصوم^(ع) بود. عباسیان به ویژه در برخی دوره‌ها به دلیل ترس و واهمه، از معرفی جایگاه ایشان در میان مردم جلوگیری می‌کردند (الاصبهانی، ۱۹۶۵: ۳۹۵؛ قمی، ۱۳۲۵: ۳۴۵). به عنوان نمونه مأمون برای کسب پیروزی نهایی و قطعی بر اندیشه شیعه، بسیار کوشید و هدف نهایی وی از تشکیل مجالس مناظره با امامان شیعه، شکست ایشان و در نهایت سقوط مذهب تشیع بود.

۳- کنترل شدید ارتباطات امام^(ع) و پیروان

ارتباط مستقیم امامان^(ع) با شیعیان به علت جو خفقان شدید و دشواری ارتباط مستقیم امامان و دسترسی نداشتن به امامان^(ع) در نتیجه حبس و شهادت که دستگاه خلافت ایجاد کرده بود، نه تنها به سهولت که در مواردی به هیچ وجه امکان پذیر نبود تا جایی که امام حسن عسکری^(ع) بر اثر شدت تنگناها و فشارها، امکان ارتباط با شیعیان برایشان فراهم نبود و تنها به هنگام رفت و آمد هفتگی به دربار خلیفه در بین راه با زبان اشاره با شیعیان سخن می‌گفت (جباری،

۱۳۸۲: ۴۸-۵۲).

هارون، امام کاظم (ع) را در زندان نگه می‌دارد و مأمون حضرت رضا (ع) را به مرو می‌کشاند و در کنار خویش محصور می‌کند. او با پنبه سر می‌برد و پنهانی حضرت را به شهادت می‌رساند تا جایی که بعضی از علمای شیعه خیال می‌کنند که مأمون، حضرت را شهید نکرده؛ چون خود به سر و سینه می‌زده و حضرت را جانشین خود می‌دانسته است. شدت فشار و کنترل دشمن نشان می‌دهد که امامان چگونه کار را پیش می‌برده و چگونه مسلط بوده‌اند، تا آن جا که امامان پس از حضرت کاظم (ع) را در مدینه یا سامرا، تحت کنترل داشتند و با این همه می‌ترسیدند و به همین دلیل بود که زود به فکر به شهادت رساندن آن ها می‌افتادند و می‌بینیم که حضرت جواد (ع) در ۲۵ سالگی و حضرت هادی (ع) در حدود ۴۰ سالگی و حضرت عسکری (ع) در حدود ۲۸ سالگی به شهادت می‌رسند. جلوگیری از تولد قائم آل محمد (عج) و کنترل ائمه (ع) و فاصله انداختن میان رهبری و شیعیان باعث می‌شد که این گونه سخت‌گیری کنند، ولی با مشاهده روابط دقیق شیعه با امامان با این همه فشار به فکر یکسره کردن کار و شهادت‌های زودرس می‌افتادند (صفایی، ۱۳۷۸: ۲۱۶).

۲.۲. مسائل فرهنگی عمومی

جامعه اسلامی در عصر ابناء الرضا (ع) گسترش بسیاری یافته بود و هیچ زمانی نبود که خورشید بر یکی از ممالک تحت زعامت خلافت عباسی نتابد. در نتیجه خرده فرهنگ‌های بسیاری در درون ممالک اسلامی وجود داشتند. پژوهش عمیق در این حوزه با توجه به ثبت و ضبط محدود اطلاعات تاریخی آن دوره به سادگی ممکن نیست و از توان این پژوهش خارج است. اما در سطوح

کلان می‌توان جلوه‌هایی از آسیب‌ها و مسائل فرهنگی را شناسایی کرد. این آسیب‌ها عمدتاً با موضع‌گیری‌های دستگاه خلافت، افزایش نیز پیدا کرده است.

۱- گسترش فرهنگ اعتزال و روشنفکری

مسئله مخاطره‌آمیزی که در این مقطع حساس، جامعه اسلامی را تهدید می‌کرد، قدرت گرفتن و افزایش مقبولیت «مذهب معتزله» بود. مکتب اعتزال در آن زمان رواج و رونق بسیاری یافته بود و حکومت وقت از طرفداران آن بسیار حمایت می‌کرد. آنان دستورات و مطالب دینی را به عقل خویش عرضه می‌کردند و آن چه را که عقل صریحاً تأیید می‌کرد، می‌پذیرفتند و بقیه را انکار می‌کردند. عامل شیوع این مسئله را شاید بتوان در رواج نهضت ترجمه در این عصر دانست. در جایی که جامعه اسلامی به هیچ روی آمادگی لازم را برای مواجهه با اندیشه‌های مدون عقلی غرب و یونان نداشتند، رواج این اندیشه‌ها موجبات افراط در عقل‌گرایی و به حاشیه راندن تعالیم دینی در زیر سایه عقل را به دنبال آورد (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۴۳۷).

۲- رواج ظاهر‌گرایی و تفکر اهل حدیث

یکی از این فرقه‌هایی که جامعه اسلامی را از عقلانیت صحیح و اصولی دور می‌کرد، «اهل حدیث» بود که مجسمی مذهب بودند و خدا را جسم می‌پنداشتند. در برابر موج افراطی مکتب اعتزال، گرایش‌های حدیثی و معتقدان تعطیل کردن عقل نیز در جامعه اسلامی طرفداران خود را پیدا کرده بودند و موج تفریط جدی در برابر آن شکل گرفته بود.

۲.۳. مسائل فرهنگی جامعه شیعی

شیعیان در این دوره در پهنای سرزمین‌های اسلامی گسترده شده‌اند. آنان در محدوده‌ای به وسعت حجاز، یمن، بحرین، عمان، مصر و برخی دیگر از مناطق شمال آفریقا، نواحی مختلف عراق به خصوص کوفه، بغداد، سامرا، واسط، بصره، مداین، نواحی مختلف ایران و آسیای میانه همچون قم، آوره، ری، همدان، قزوین، مناطق جبال، آذربایجان، سیستان، نیشابور، بیهق، سبزوار، مرو، سمرقند، هرات و برخی مناطق دیگر پراکنده هستند (جباری، ۱۳۸۲: ۷۱). پول‌های زیادی که برای حضرت کاظم^(ع) می‌رسید و وجوهاتی که در نزد وکلای ایشان جمع شده بود، از این رشد حکایت می‌کند (صفایی، ۱۳۷۸: ۲۱۵).

شیعیان در این دوره علاوه بر نیازها و مسائل عمومی فرهنگی اعم از ضرورت آشنایی با معارف دینی، پاسخ‌گویی به سوالات و شبهات و رسیدگی به مسائل جاری فرهنگی خود، دچار مشکلات خاصی نیز بودند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. فتنه واقفیه

پس از شهادت امام کاظم^(ع) گروهی که مشهور به «واقفیه» بودند، بر اساس انگیزه‌های مادی، امامت امام رضا^(ع) را انکار کردند. تا جایی که یکی از سران واقفی، حضرت رضا^(ع) را متهم به عقیمی کرد. «واقفیه» تبدیل به یکی از فرقه‌های انشعابی در شیعه شد که به صورت معضلی بزرگ در مقابل شیعیان مطرح شده بود.

۲. فرقه زیدیه

«زیدیه» نیز فرقه‌ای بود منشعب از شیعه که طعن آن‌ها بر امامان معصوم^(ع)،

سبب موضع‌گیری تند ائمه^(ع) در برابر آنان شد.

۳- نزدیک شدن به عصر غیبت

امامان^(ع) و برخی از خواص اصحاب می‌دانستند که جریان امامت ظاهری در حال خاتمه است و جامعه شیعیان باید به تدریج خود را برای دوران امام غایب^(ع) آماده کند؛ زیرا که غیبت امام نباید به فروپاشی ساختار جامعه شیعی و تضعیف فرهنگ و هویت شیعی منجر شود.

۳. سیاست‌های فرهنگی

در برابر مسائل و نیازهای فرهنگی جامعه، ائمه ابناء الرضا^(ع) به اجرای سیاست‌های فرهنگی مختلفی دست زدند که برخی از این‌ها به مسائل و نیازهای فرهنگی متعددی معطوف بود و برخی نیز ناظر به مسائل فرهنگی خاص طراحی و اجرا می‌شد.

۳.۱. رشد عقلانیت دینی عمومی و معرفی مرجعیت علمی اهل

بیت^(ع)

یکی از سیاست‌های جدی که توسط ائمه^(ع) در برابر موج اعتزال از یک سو و رواج حدیث‌گرایی از سوی دیگر تعقیب می‌شد، استفاده از فرصت‌های مختلف برای معرفی و تبیین «اسلام فقاهتی» بوده است که جامعیت و پیوند عقل و دین را به نمایش می‌گذارد. نمونه‌های مختلفی از تحلیل‌های اصولی معارف دینی و نمایش تحلیل‌های غلط فقهای مطرح آن دوره که بیشتر در دربار حضور داشتند، توسط امامان^(ع) در این عصر وجود دارد. (برای نمونه‌های تفصیلی و مطالعه کامل این موضوع می‌توانید به این آثار رجوع کنید: ابن بابویه: ۸۰-۸۴؛ امینی، ج ۵: ۳۱۵-۳۱۶؛ مقرر، ۱۳۷۰: ۹۸-۱۰۰؛ پیشوایی، ۱۳۸۸: ۵۵۱-۵۵۵)

تأثیر دیگری که این برخوردها بر جای می گذاشت، معرفی مرجعیت علمی اهل بیت (ع) بود. مرز اسلام ولایی و خط صحیح معارف دینی با اسلامی که از مسیر خود منحرف شد، فاصله گرفتن از مرجعیت اصیل اسلام و خط ولایت بود. برخوردها و بیانات حضرات ائمه معصومین (ع) در این دوره این خط را به شکل روشنی تعریف می کند و در صحنه های مختلف عملی راهگشا و دست برتر را نشان می دهد. ماجرای که درباره «قطع دست مجرم» در مجلس معتصم اتفاق افتاد، یکی از نمونه های عملی مواجهه امام جواد (ع) در این باره است. یا مواجهه استدلالی امام (ع) با فردی که روایتی را در فضیلت ابوبکر نقل می کرد در همین چارچوب قابل توجه است. (درباره دفاعیات امام جواد (ع) و مناظرات حضرتش، رک: مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۵۰: ۷۴-۷۷؛ قزوینی: ۱۶۸-۱۷۲؛ مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۱۳-۲۱۵؛ مرتضی عاملی: ۲۶-۳۰)

دولت عباسی به منظور درهم شکستن چهره علمی امامان (ع) و زیر سؤال بردن دانش و حتی امامت آنان، جلسات مناظره و گفت و گوی علمی تشکیل می داد. البته با این کار، آنان نه تنها به مقصود خویش نمی رسیدند، بلکه موجب رسوایی و فضاحت خویش می شدند. از آن جا که امام جواد (ع) نخستین امامی بود که در خردسالی به منصب امامت رسید، حضرت مناظرات و گفت و گوهایی داشته است که برخی از آنها بسیار مهم و مؤثری بوده است. راز وجودی آن مناظرات این بود که از یک طرف امامت او به خاطر خردسالی برای بسیاری از شیعیان کاملاً ثابت نشده بود، از این رو برای اطمینان خاطر و به عنوان آزمایش، سؤالات فراوانی از آن حضرت می کردند. از طرف دیگر مکتب اعتزال و افراطی گری در تکیه بر عقل رونق یافته بود

و حکومت وقت نیز از آنان پشتیبانی می‌کرد، در نتیجه این گروه سؤالات عقلی دشواری مطرح می‌کردند تا به پندار خامشان آن حضرت را در میدان رقابت علمی شکست دهند، ولی در همه این مناظرات علمی، امام جواد^(ع) با علم امامت که نشأت گرفته از علم خداوندی است با پاسخ‌های قاطع، هرگونه شک و تردید را درباره امامت خود از بین برد. به همین دلیل است که بعد از ایشان، امامت امام هادی^(ع) در خردسالی، مشکلی ایجاد نکرد؛ زیرا برای همه روشن شده بود که خردسالی مانع منصب امامت نمی‌شود. مناظره امام جواد^(ع) با «یحیی بن اکثم» و اثبات حقانیت خویش و ناتوانی یحیی و مناظره آن حضرت با «ابن ابی داود» و غلبه بر وی از این مناظرات است (جعفریان، ۱۳۷۶: ۴۸۲-۴۸۶).

امام جواد^(ع) را می‌توان پایه‌گذار بحث آزاد به صورت علنی دانست؛ ایشان در مقابل مأمون عباسی، با علما و داعیه‌داران و موجهان، درباره دقیق‌ترین مسائل حرف می‌زد و با استدلال، برتری خود و حقانیت سخن خود را ثابت می‌کرد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۲۱)

۳.۲. ترسیم الگوی کامل تقوای فردی و جمعی

یکی از راهکارهای فرهنگی اصولی در مقابله با ترویج گناه و فساد در جامعه، نمایش الگوها و مجسمه‌های دین داری در جامعه است. امامان این عصر چنین سیاستی را به شکل برجسته‌ای دنبال می‌کردند تا جایی که لقب «تقی» و «هادی» به امامان دهم و یازدهم نسبت داده شده است. دستگاه خلافت، تلاشی پیگیر داشت تا به گمان خود آن امامان^(ع) را با عیاشی‌ها و فسادهای دربار آلوده کند. ابن شهر آشوب در کتاب «مناقب» از محمد بن ریان نقل می‌کند که مأمون

درباره امام محمد تقی^(ع) به هر نیرنگی دست زد تا شاید بتواند آن حضرت را مانند خود اهل دنیا نماید و به فسق و لهو متمایل سازد. بر خورد امام دهم^(ع) در مجلس آوازه خوانی که مأمون ترتیب داده بود، نمونه‌ای از این توطئه‌ها و اقدامات است (کلینی ۱۳۹۰، ج ۱: ۴۹۳ و رفیعی پور علوی، ۱۳۸۵: ۲).

۳.۳. حفظ خط انتقال معارف و جریان زنده تعلیم و تربیت

در شرایطی که فرصت‌های تعامل ائمه^(ع) در این عصر به شدت کنترل و محدود می‌شد، وظیفه اصلی و اساسی امام^(ع) که تبلیغ و انتقال معارف اصیل دینی است، به هر روی مورد توجه قرار داشت. پیشوایان این عصر نیز مانند امامان پیشین، شاگردانی تربیت می‌کردند و دانش خود را به کمک آنان در جامعه انتشار می‌دادند. این فعالیت‌ها از دوره امام جواد^(ع) تا امام عسکری^(ع) به دلیل فشارهای سیاسی و کنترل شدید حکومت، بسیار محدود بود و از این نظر تعداد راویان و پرورش یافتگان مکتب آنان نسبت به زمان امام صادق^(ع) کاهش یافت. در عین حال باید توجه داشت که در میان همین تعداد اصحاب محدود و راویان حضرت، چهره‌های درخشان و شخصیت‌های برجسته‌ای مانند علی بن مهزیار، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، زکریا بن آدم، محمد بن اسماعیل بن بزیع، حسین بن سعید اهوازی، احمد بن محمد بن خالد برقی پرورش یافتند که هر کدام در صحنه علمی و فقهی، وزنه‌ای به شمار می‌رفتند و حتی برخی تألیفات متعددی داشتند. از طرف دیگر، راویان احادیث امام جواد^(ع) تنها در محدثان شیعه خلاصه نمی‌شوند، بلکه محدثان و دانشمندان اهل تسنن نیز معارف و حقایق اسلامی را از آن حضرت نقل کرده‌اند. برای نمونه، خطیب بغدادی احادیثی با سند خود از آن حضرت نقل کرده است (امین ۱۴۲۱ ق، ج ۲: ۳۵). همچنین حافظ عبدالعزیز

بن اخضر جنابذی (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۰ ج ۴: ۳۸۴) و مؤلفانی مانند ابوبکر احمد بن ثابت، ابواسحاق ثعلبی و محمد بن منده بن مهربذ در کتاب‌های تاریخی و تفسیری خویش روایاتی از آن حضرت نقل کرده‌اند. در برخی منابع اسلامی نام بیش از ۲۷۰ نفر به عنوان اصحاب آن حضرت آورده شده است (امین، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۳۵؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۰، ج ۴: ۳۸۴)

برخی شاگردان ائمه^(ع) به جایگاه‌های ویژه‌ای در فضای علمی دست یافته بودند. ابن سکیت، نزد امام جواد^(ع) و امام هادی^(ع) از احترام زیادی برخوردار بود و از خصّیصین ایشان به شمار می‌رفت. ابن خلکان به نقل از ابوالعباس المبرّد می‌نویسد: کتابی بهتر از «اصلاح المنطق» ابن سکیت در میان مؤلفین بغداد ندیدم. و ثعلب هم می‌نویسد: اصحاب ما اتفاق نظر دارند که پس از ابن اعرابی، کسی آگاه‌تر از ابن سکیت در علم لغت یافت نشده است. (قمی، ۱۳۵۰، ج ۱: ۳۱۴) سرانجام این یار وفادار و عالم بزرگ شیعی به دست متوکل به شهادت رسید. علی بن مهزیار اهوازی از مفسران قرن سوم هجری است و بیش از ۳۰ کتاب و رساله در زمینه‌های مختلف معارف اسلامی دارد. مدت ۷۹ سال عمر بابرکت عبدالعظیم حسنی^(ع) با دوران امامت چهار امام معصوم هفتم تا دهم مقارن بوده است؛ ایشان محضر مبارک امام رضا^(ع)، امام محمد تقی^(ع) و امام هادی^(ع) را درک کرده و احادیث فراوانی از آنان روایت کرده‌اند. ابوعلی حسن بن راشد از زمره فقیهان برجسته و شخصیت‌های تراز اول بوده است. (خویی، ۱۳۶۹، ج ۴: ۳۲۴) اسحاق بن اسماعیل نیشابوری اسحاق بن اسماعیل نیشابوری، از اصحاب امام نهم تا یازدهم و از ثقات روات شیعه است. حسین بن عبدالله نیشابوری، حاکم بُست و سیستان و از شیعیان و ارادتمندان امام جواد^(ع) بود. او پنهانی به امام

خمس می داد و از شیعیان منطقه حمایت و به امور مالی و اقتصادی آن ها رسیدگی می کرد. (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۱۱۱-۱۱۲)

۲۶ نفر از اصحاب امام جواد (ع) در مجموع ۷۸ اثر نوشته اند که یکی از آنان «علی بن مهزیار» است با تألیف ۳۵ اثر. دیگری «محمد بن عبدالله بن مهران» است که هفت اثر دارد و سومی «معاویه بن حکیم» با هفت اثر. یکی از اصحاب امام جواد (ع) حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) است که شمار قابل توجهی حدیث از امام نقل کرده است. از دیگر چهره های برجسته و درخشان از بین شاگردان و راویان آن حضرت می توان از «احمد بن محمد بن نصر بزنطی»، «زکریا بن آدم»، «حسین بن سعید اهوازی» و «احمد بن محمد بن خالد برقی» نام برد که هر کدام در صحنه های علمی و فقهی و زنه ای خاص به شمار می رفتند. (نساجی زواره، ۱۳۸۸: ۴۴)

نکته حائز اهمیتی که باید در این سیاست به آن اشاره کرد، تاکید و اصرار ائمه (ع) بر حضور در شهر مدینه به عنوان ام القرای فکری، معرفتی و فرهنگی جهان اسلام است. حکام عباسی نیز به حضور ایشان در شهر رسول (ص) حساسیت جدی نشان می دادند. بنابر این ائمه (ع) تنها به اجبار و فشار حکام بود که فرصت حضور در مدینه را از دست می دادند.

۳.۴. هویت سازی شیعی

یکی از جدی ترین سیاست هایی که امامان (ع) در این دوره دنبال می کردند، تشخیص بخشیدن به جامعه شیعیان و ایجاد هویتی ممتاز و متمایز برای آنها بوده است. با شکل بخشی به این هویت، بسیاری از آسیب هایی که جامعه شیعی را از

نظر فکری و فرهنگی تهدید می‌کرد، رفع و دفع می‌شد یا حداقل آثار آن کاهش می‌یافت.

۱- معرفی جایگاه اهل بیت (ع)

«محمد بن سنان» از جمله کسانی است که در محبت اهل بیت (ع) زیاده روی می‌کرد. بدین دلیل برخی از علمای رجال، او را به «غلو» متهم کرده‌اند. او می‌گوید: «روزی محضر امام جواد (ع) نشسته بودم و مسائلی از جمله اختلافات شیعیان را مطرح می‌کردم. امام (ع) فرمود: «ای محمد! خداوند قبل از هر چیز، نور محمد و علی و فاطمه را خلق کرد؛ سپس اشیاء و موجودات دیگر را آفرید، طاعت اهل بیت را بر آنان واجب کرد و امور آنها را در اختیار اهل بیت قرار داد. بنابراین، فقط آنان حق دارند چیزی را، حلال و چیزی را، حرام کنند و حلال و حرام ایشان نیز به اذن و اراده خداوند است. ای محمد! «دین» همین است؛ کسانی که جلوتر بروند (افراط نمایند)، انحراف و کج رفته‌اند و کسانی که عقب بمانند (تفریط کنند)، پایمال و ضایع خواهند شد. تنها راه نجات، همراهی اهل بیت است و تو نیز باید همین راه را طی کنی» (کلینی ۱۳۹۰، ج ۱: ۴۴۱).

۲- مرزبندی با فرقه‌های انحرافی

امام جواد (ع) به شیعیان می‌فرمود: «شما اجازه ندارید پشت سر هر کسی که خدا را جسم می‌داند، نماز بگذارید و به او زکات بدهید.» (ابن بابویه، ۱۳۸۶: ۱۰۱) و نیز فرمود: «پشت سر کسی که به دینش اطمینان ندارید و نیز درباره ولایت و دوستی او با ما مشکوک هستید، نماز نخوانید» (الحسینی القزوینی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۰۶).

ایشان در جای دیگری، واقفیه و زیدیه را در ردیف ناصبی‌ها قرار می‌دهند (جعفریان، ۱۳۷۶: ۴۹۰). امام هادی (ع) درباره یکی از مباحث مربوط به قرآن که مسئله سیاسی روز و تبدیل به دستاویزی برای زندانی یا کشتن افراد شده بود، طی نامه به محمد بن عیسی بن عبید یقطینی، از او خواست تا پیروان و شیعیان از این فتنه فاصله بگیرند. (ابن بابویه، ۱۳۸۶: ۴۴۹)

امام هادی (ع) افق مبارزه با غلو در میان شیعیان را گشود و پیرایش و آراستگی این حوزه را پی گرفت و غالیان و بدعت‌گذاران را از این حوزه راند.

۳- طرد و حذف عوامل نفوذی

جامعه شیعی گاهی به انحرافات مبتلا می‌شد که ضرورت داشت امامان (ع) قاطعانه وارد عمل شوند و با پیام‌های ویژه برای برخی افراد از گسترش آن جلوگیری کنند. از باب نمونه، امام هادی (ع) در برابر افراد منحرف همانند علی بن حسکه قمی که مکتب غلات را ترویج می‌کرد، به احمد بن محمد بن عیسی در پاسخ نامه‌اش می‌نویسد: «این‌ها از دین نیست؛ از او فاصله بگیر.» (رجال کشی، ۱۳۴۸: ۵۱۷) همچنین در پاسخ برخی فرموده‌اند: «این‌ها را ترک کنید. خداوند لعنت شان کند و اگر یکی از این‌ها را در جای خلوتی پیدا کردید، سر او را با سنگ بشکنید.» (همان: ۴۳۷) درباره محمد بن نصیر نمیری که از غلات و دارای فساد عقیدتی و اخلاقی بود، دستور لعن و طرد او را از جامعه شیعی صادر فرمود. (همان: ۵۲۰) همچنین دستور قتل فارس بن حاتم قزوینی را صادر فرمود. (همان: ۵۲۷)

ابوالسمهری و ابن ابی‌الزرقا اندیشه‌های باطل داشتند، ولی آن را آشکار

نمی کردند. آن‌ها خود را به امام^(ع) و یاران ایشان نزدیک و از این موقعیت سوء استفاده می کردند. اسحاق انباری می گوید: روزی امام جواد^(ع) به من فرمود: ابوالسمهری و ابن ابی الزرقا گمان می کنند مبلغ ما هستند، شاهد باشید من از آنان بیزارم؛ زیرا آنان فتنه گر و ملعون اند. ای اسحاق! مرا از شر آنان راحت کن. گفتم: فدایت شوم. آیا کشتن آنان جایز است؟ فرمود: آنان فتنه می کنند و گناه آن را به من و دوستانم نسبت می دهند. قتل آنان واجب است. اگر می خواهی از شر آنان خلاص شوی، آشکارا آنان را نکش؛ زیرا در این صورت باید پیش داوران ستم پیشه شاهد بیاوری و در نهایت تو را خواهند کشت. من نمی خواهم به خاطر دو فاسد، مؤمنی از بین برود. این کار را پنهانی انجام بده (کشی، ۱۳۴۸: ۵۳۰).

۴- همگرایی و همزیستی با دیگران

امام عسکری^(ع) به شیعیان فرمود: «شما را به ترس از خدا و پارسایی در دین خود و کوشش در راه خدا و راستگویی توصیه می کنم و به امانتداری از هر کسی که باشد، خوب یا بد، وفادار باشید، و به طول دادن سجده ها و خوش همسایگی سفارش می کنم که محمد^(ص) بدین روش آمده. در قبیله های آنان (اهل سنت) نماز بخوانید و بر سر جنازه آن‌ها حضور یابید و بیماران شان را عیادت و حقوق شان را ادا کنید؛ زیرا هر کس از شما که در دیانت خود پارسایی پیشه کرد و راست گفت و امانتدار بود و با مردم خوش رفتاری کرد و گفتند: «این (فرد) یک شیعه است، من از این امر، شادمان می شوم. از خدا بپرهیزید و زینتی باشید برای ما و نه مایه زشتی و ننگ. هر گونه دوستی را برای ما جلب کنید و هر زشتی را از ما بگردانید؛ چون هر خوبی که درباره ما گفته شود، ما شایسته آنیم و هر بدی که درباره ما گفته شود، ما چنان نیستیم. ما را در کتاب خدا، حقی است ثابت و قرابتی که با رسول

خدا^(ص) داریم و خداوند، ما را پاک شمرده و احدی مدعی این (کرامت) نیست، مگر دروغگو. خدا و مرگ را بسیار یاد آرید و قرآن بخوانید و بر پیامبر^(ص) بسیار درود فرستید که درود بر رسول خدا^(ص) ده حسنه دارد. آن چه را به شما توصیه کردم، خوب به خاطر بسپارید. شما را به خدا می سپارم و بر شما درود می فرستم» (شریف القرشی، ۱۳۷۱: ۹۲-۹۳)

۵- فرهنگ سازی جایگاه لدنی و غیرمتعارف امام^(ع)

در دوره مورد بحث، تبیین خط ولایت با چارچوب های غیرمتعارفی نیز همراه بود. اگر در دوره های پیش کمترین شک و شبهه ای در فضل و برتری علمی و اخلاقی امامان شیعه^(ع) وجود نداشت، پس از حضرت رضا^(ع) بزرگوارانی به مقام امامت رسیدند که حتی سن بلوغ را درک نکرده بودند. شرایطی که حتی بزرگان اصحاب ائمه^(ع) نیز آمادگی آن را نداشتند. انگار جامعه اسلامی و به ویژه شیعی در حال آماده شدن برای دوره غیرمتعارف «غیبت» امام^(ع) بود.

۶- بزرگداشت نهضت های شیعی

حسین بن علی مشهور به «شهید فخ» نواده حضرت مجتبی^(ع) در زمان یکی از خلفای بنی عباس به نام هادی عباسی قیام کرد. یاد و نام او سندی بر محکومیت بنی عباس تلقی می شد و حماسه نهضت های شیعی علیه خلفای عباسی را در خاطره ها به یاد می آورد. در حمایت از این شهید انقلابی، روایتی نیز از امام جواد^(ع) می خوانیم: «پس از فاجعه کربلا هیچ فاجعه ای برای ما بزرگتر از فاجعه فخ نبوده است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸: ۱۶۵)

۷- نمادسازی از فدک و حضرت زهرا^(س)

حضرت زهرا^(س) با رفتار استراتژیک خود خط روشنی بر حقانیت جریان

ولایت و بطلان خط غصب خلافت ترسیم کرد. فدک که تبدیل به نماد غصب ظالمانه حق مسلم اهل بیت^(ع) تبدیل شده بود، در این دوره نیز این نماد همچنان حفظ می‌شد. در همین دوران است که به مدت محدودی فدک به اهل بیت^(ع) باز می‌گردد. زکریا بن آدم می‌گوید: ... حضرت جواد^(ع) دست‌هایش را بر زمین نهاد، سرش را به طرف آسمان بلند کرد و در فکری عمیق فرو رفت. امام رضا^(ع) فرمود: جانم فدایت چرا در فکری؟ امام جواد^(ع) فرمود: به آن چه در باره مادرم زهرا^(س) انجام شد، می‌اندیشم. به خدا سوگند، حق قاتلانش آن است که اگر دستم به آن‌ها برسد، آنان را سوزانده، تکه تکه کنم و ریشه‌شان را برکنم. در این هنگام، امام رضا^(ع) او را در آغوش کشید، میان دو چشمش را بوسید و فرمود: پدر و مادرم فدایت، به راستی که تو لایق امامت شیعه هستی. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج. ۵۰: ۵۹)

۸- زیارت نامه فرهنگ ساز جامعه کبیره

یکی از فعالیت‌های علمی امام^(ع)، تعلیم برخی از زیارت‌نامه‌ها بود که معارف بسیار متعالی را در بر داشت. این زیارت‌نامه‌ها ضمن بار علمی و اخلاقی، تاثیرات فرهنگ سازی ویژه‌ای داشت. یکی از آثار ماندگار و ارزشمند امام‌هادی^(ع)، زیارت جامعه کبیره است که متقن‌ترین متن شناخت امامت راستین است.

شیخ صدوق این زیارت را در کتاب «من لا یحضره الفقیه» و شیخ طوسی در کتاب «تهذیب الاحکام» از موسی بن عبدالله نخعی چنین نقل می‌کند: از امام علی النقی^(ع) خواستم مرا زیارتی بلیغ و کامل تعلیم دهد که به وسیله آن بتوانم هر یک از ائمه^(ع) را زیارت کنم. حضرت فرمود: چون به درگاه رسیدی، در حالی که غسل کرده‌ای، بایست و شهادتین را بگو و چون داخل شدی و قبر را دیدی توقف

کن و سی مرتبه "الله اکبر" بگو. سپس با گام‌های کوتاه و با آرامش و وقار، اندکی راه برو، و دوباره بایست و سی مرتبه "الله اکبر" بگو. پس به قبر مطهر نزدیک شو و ۴۰ مرتبه تکبیر بگو. اهمیت این زیارت را هنگامی می‌توان دریافت که بدانیم در آن زمان عده‌ای از «غلات» معصومان را تا حد خدایی بالا برده و گروهی را تحت پرچم ضلالت خویش گرد آورده بودند. امام (ع) با سخنان خود مرز افراط و تفریط را مشخص کرد و دوستانان واقعی خویش را از انحراف و تمایل به سوی افکار و آرای باطل بر حذر داشت. (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲: ۶۰۹)

۳.۵. پایه ریزی فرهنگ انتظار

امام یازدهم (ع) سیاست ترویج فرهنگ انتظار را که زمینه‌های آن از دوره رسول گرامی اسلام (ص) آماده شده و ائمه بعدی (ع) هر کدام به صورتی به این مقطع مهم تاریخ بشری اشاره کرده بودند، در سه محور مهم بی‌ریزی کرد: بسترسازی برای میلاد حضرت مهدی (عج)، حفظ و حراست از آن وجود مبارک و آماده‌سازی افکار شیعه برای غیبت طولانی.

امام عسکری (ع) در میان دشمنان بی‌رحم و دوستان ساده‌اندیش قرار گرفته بود. به همین دلیل با در نظر گرفتن حساسیت دشمن در تولد امام حضرت مهدی (عج) با تمام وجود می‌کوشید تولد او همچنان مکتوم و ناگفته بماند؛ در حدی که خدمتگزار منزل آن حضرت نیز پس از مدت دو سال از تولد آن مولود مبارک هنوز آگاهی نیافته بود. از طرفی هم امام (ع) بیم داشت تولد آن حضرت رفته رفته بر خواص هم، درهاله‌ای از ابهام بماند. به همین دلیل طبق مصلحت، برخی از خواص را در جریان امر قرار می‌داد.

غایب شدن امام و پیشوای هر قومی، یک حادثه غیر طبیعی، شگفت‌آور

و از طرفی باور کردن آن و تحمل مشکلات ناشی از آن برای نوع مردم دشوار بود. از این رو غیبت امام زمان (عج) از صدر اسلام مطرح می‌شد و نام و یاد او و حتی کیفیت ظهور او به سر زبان‌ها می‌افتاد. پیامبر اعظم (ص) بیش از هر کسی او را به عنوان آخرین خلیفه خود معرفی و حقایقی از زندگانی آن حضرت را به نسل حاضر و نسل‌های آینده اسلام منعکس می‌کرد. پس از رسول خدا (ص) امامان و پیشوایان معصوم (ع) یکی پس از دیگری مردم را با مهدویت آشنا و اذهان عوام و خواص را برای پذیرش غیبت آن حضرت، آماده می‌کردند. این کار، در زمان امام عسکری (ع) جلوه بیشتری یافت. آن حضرت با توجه به شرایط خاص زمان خویش، افکار عمومی به ویژه خواص شیعه را برای پذیرش غیبت آماده می‌کرد تا مبادا مردم با شنیدن خبر غیبت کبرای حضرت مهدی (عج)، آن را انکار کنند (وفا، ۱۳۸۸: ۳۶-۴۷).

۳.۶. سازماندهی و پالایش شبکه وکالت

شبکه وکالت در واقع، سازمان و تشکیلات امامان (ع) این عصر برای اداره امور مربوطه بود. این شبکه وظیفه نیازسنجی، پاسخ‌گویی، حمایت و مدیریت مخاطبان تحت امر خود را بر عهده داشت. این شبکه مشروعیت خود را از امام (ع) می‌گرفت و تحت مدیریت کلان این شبکه فعالیت می‌کرد. امامان شیعه با لحاظ کردن مقتضیات و ضرورت‌های موجود اقدام به ایجاد این تشکیلات کردند که بدان وسیله با سهولت بیشتری بتوانند با شیعیان در دورترین نقاط عالم اسلامی مرتبط بوده و شیعیان نیز از طریق این شبکه ارتباطی مطمئن، بتوانند نیازهای شرعی و دینی خود را رفع کنند.

وکالت به مفهوم «نمایندگان عمومی ائمه^(ع) برای انجام یک سلسله وظایف خاص در میان شیعیان» در واقع از عصر امام صادق^(ع) به بعد پدید آمده است. از عصر امام صادق^(ع) به بعد، با روی کار آمدن بنی عباس و درگیری‌های آنان با بنی امیه، زمینه‌های گسترش تشیع فراهم شد. این که تعداد محدثان و شاگردان روایت‌کننده از امام صادق^(ع) حدود چهار هزار نفر ذکر شده است می‌تواند گویای میزان رشد کمی شیعیان در این عصر باشد. شرایط سیاسی نیز در اواخر خلافت بنی امیه و اوایل دوره بنی عباس برای پایه‌ریزی چنین تشکیلاتی مساعد بود. در عصر امام کاظم^(ع) هر چند این سازمان با مشکلاتی مانند دستگیری و شکنجه حضرت و برخی از وکلا مواجه شد ولی نواحی تحت پوشش وکلا و محدوده اقتدار آنان با تشدید فعالیت‌ها گسترش می‌یافت. وکلای آن حضرت در نقاطی مثل کوفه، بغداد، مدینه، مصر و برخی نقاط دیگر به فعالیت مشغول بودند.

سازمان در محدوده‌ای به وسعت حجاز، یمن، بحرین، عمان، مصر و برخی از مناطق شمال آفریقا، نواحی مختلف عراق به خصوص کوفه، بغداد، سامرا، بصره، مدائن و نواحی مختلف ایران و آسیای میانه همچون قم، ری، قزوین، نیشابور، سبزوار، هرات و برخی مناطق دیگر فعال بود. جریان وکالت در زمان امام حسن عسکری^(ع) به اوج خود رسید و امام^(ع) در تمامی نقاط شیعه‌نشین نمایندگانی داشت که واسطه بین امام و مردم بودند.

سازمان وکالت که به ظاهر برای جمع‌آوری و تحویل وجوه و حقوق شرعی نظیر خمس، زکات، و هدایای شیعیان به ائمه^(ع) تأسیس شده بود در کنار این کار مهم به انجام سایر وظایفی که یک نماینده امام به عنوان وکیل امام باید عهده‌دار باشد، مشغول بود. از آن جمله می‌توان به نقش علمی و دینی و تحویل نامه‌های

حاوی سؤالات شرعی و درخواست‌های شیعیان از امامان^(ع) و از همه مهم‌تر نقش ارشادی در معرفی امام معصوم^(ع) پس از رحلت امام پیشین اشاره کرد. در این تشکیلات، امام معصوم^(ع) رهبر مجموعه تلقی می‌شد و وکلای ارشدی بودند که نقش ناظر بر عملکرد وکلای نواحی مختلف را ایفا می‌کردند. گاهی مناطق شیعه‌نشین به حسب میزان و کیفیت تجمع شیعیان به چندین منطقه کلی تقسیم و هر منطقه به وکیلی خاص سپرده می‌شد. در این مجموعه، برای برقراری ارتباط ائمه^(ع) با شیعیان از ابزارهای مختلفی استفاده می‌شد. اگر چه ارتباطات به صورت مستقیم امکان‌پذیر بود ولی برای رعایت اصل تقیه و پنهان‌کاری در مواردی که ارتباط حضوری خطر ساز می‌نمود، ارتباطات غالباً شکل مکاتبه‌ای داشت و در قالب توقیعات و نامه‌های ائمه^(ع) انجام می‌گرفت؛ شاهد آن وجود نامه‌ها و توقیعات بسیار زیاد ائمه^(ع) است (ر.ک: جباری، ۱۳۸۲).

از مطالعه و دقت در احکام وکلا و نمایندگان امام هادی^(ع) این نکات به دست می‌آید:

۱. از وکلا می‌خواست تا هر یک در محدوده منطقه خویش عمل کنند و از گرفتن وجوه از دیگر مناطق بپرهیزند.
 ۲. از برخی نمایندگان خواست تا رابطه‌شان را با دیگر وکلا کاهش دهند؛
 ۳. پرداخت وجوه به نمایندگان تعیین شده؛
 ۴. مراجعه به وکلا برای انجام کارهای شرعی حضوری یا به وسیله مکاتبه.
- (ر.ک: شریف قرشی، ۱۳۷۱: ۱۴۱)

مناطق مد نظر برای تعیین وکلا به چهار قسمت، تقسیم می‌شد. ناحیه اول؛ بغداد، مدائن، سواد و کوفه. ناحیه دوم؛ بصره و اهواز. ناحیه سوم؛ قم، همدان.

ناحیه چهارم؛ حجاز، یمن، مصر. یکی از راه‌های ارتباط و کلا با امام^(ع) نامه‌نگاری بود که آن را به دست افراد مطمئنی که برای زیارت مرقد مشهد امام حسین^(ع) به عراق می‌آمدند، امام^(ع) می‌رساندند.

فوائد این نوع سازماندهی در مدیریت فرهنگی عصر مد نظر را می‌توان چنین برشمرد:

۱. حفظ یک مجموعه کاملاً غیر منسجم که در معرض هجوم بدعت‌ها و خرافات و درگیری‌هاست.
۲. ایجاد یک سیستم مالی منظم برای شیعیان.
۳. امکان اطلاع‌گیری و اطلاع‌رسانی به عموم.
۴. ایجاد انسجام قوی میان بزرگان شیعه.
۵. فراهم شدن زمینه برای غیبت و مدیریت غیر متمرکز مجموعه.

۳.۷. تأسیس و تقویت پایگاه‌های علمی

از دیگر نقش‌های محوری امام هادی^(ع) در هدایت جامعه شیعی، تقویت مراکز علمی بود که در حقیقت، هدایت و سرپرستی غیرمستقیم آن حضرت برای پیروان اهل بیت^(ع) بود. حضرت گاهی درباره مقدس بودن یک سرزمین و گاهی درباره مردم آن و گاهی هم درباره علما و دانشمندان و لزوم پیروی از آنها، سخنان ارزشمندی را بیان می‌فرمودند؛ مثلاً درباره قم چند روایت از امام هادی^(ع) نقل شده که بیانگر این مدعاست؛ اگر چه غیر مستقیم حضرت به موارد یاد شده اشاره فرموده است.

شیخ مفید در اختصاص نقل کرده که از علی بن محمد عسکری^(ع) از پدر از

جدش امیر مؤمنان^(ع) از رسول خدا^(ص) نقل شده که فرمود: وقتی که مرا به آسمان چهارم می بردند، نگاهم به گنبدی از لؤلؤ افتاد که چهار گوشه داشت و چهار درب را دیدم که همه اش از استبرق سبز بود. به جبرئیل گفتم: این گنبد چیست که در آسمان چهارم چیزی بهتر از آن نیافتم؟ گفت: حبیب من، ای محمد! این صورت و نقش شهری است که به آن قم گفته می شود و در آن بندگان مؤمن به خدا جمع شوند و منتظر شفاعت محمد^(ص) در قیامت هستند و پیوسته هم و غم و اندوه پی در پی بر آن ها جاری می شود. راوی گوید از علی بن محمد عسکری^(ع) پرسیدم: چه هنگام اینان منتظر فرج خواهند بود؟ امام فرمود: زمانی که آب بر آن سرزمین جاری شود. (مفید، ۱۳۷۲: ۹۸)

در روایت دیگری از حضرت عبدالعظیم حسنی^(ع) روایت شده: از علی بن محمد عسکری^(ع) شنیدم که می فرمود: اهل قم و اهل آبه (آوه) آمرزیده شده هستند؛ زیرا به زیارت جدم علی بن موسی الرضا^(ع) به طوس می روند. (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۲۶۰)

۴. استفاده از ابزار قدرت و حکومت در پیشبرد سیاست های

فرهنگ

اجرای سیاست های فرهنگی دستگاه امامت در برخی موارد نیاز به بهره گیری از قدرت سیاسی داشت. قدرت سیاسی می تواند علاوه بر زمینه تسهیل اجرای برخی از سیاست های فرهنگی، موانع موجود را نیز تا حدی کاهش دهد. امام جواد^(ع) به وکلای خود اجازه می داد که به درون دستگاه خلافت، نفوذ کنند و مناصب حساس حکومتی را در دست بگیرند. برخی از کارگزاران حضرت نیز به

عنوان حاکم شهرها منصوب شده بودند و همه امور را با دقت تحت نظر داشتند. (جاسم حسین، ۱۳۶۷: ۷۸-۷۹)

کارگزاران امام^(ع) در بسیاری از استان‌ها مانند: اهواز، همدان، سیستان، بست، ری، بصره، واسط، بغداد، کوفه و قم پخش شده بودند. آنان موظف بودند که در جاهای حساس نفوذ کنند و مناصب مهم را به دست آورند. از این‌رو محمد بن اسماعیل بن بزيع و احمد بن حمزه قمی، مقام والایی در دستگاه حکومت داشتند. نوح بن دراج نیز چندی قاضی بغداد و پس از آن قاضی «کوفه» بود. بعضی دیگر از شیعیان مانند حسین بن عبدالله نیشابوری حاکم بست و سیستان شد و حکم بن علیا اسدی به حکومت بحرین رسید. (همان، ۱۳۶۷: ۷۹)

مرحوم کلینی نقل می‌کند که حضرت جواد^(ع) بنا به درخواست یکی از شیعیان بست و سیستان، طی نامه‌ای به والی این منطقه سفارش کرد که در اخذ مالیات، بر او سخت نگیرد. والی که از پیروان امام بود، نه تنها بدهی او را بابت مالیات نگرفت، بلکه اعلام کرد تا آن زمان که بر سرکار است وی را از پرداخت مالیات، معاف خواهد کرد. علاوه بر این دستور داد برای او مستمری نیز تعیین کردند (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۱۱۱).

۵. استفاده از ابزارهای اقتصادی و مالی در سیاست‌های فرهنگ

همچنان که گفته شد سیاست‌های فرهنگ نیازمند ابزارهای سیاسی و اقتصادی است. علاوه بر نکاتی که در زمینه نفوذ در دستگاه سیاسی مطرح شد، زمینه‌های اقتصادی فعالیت‌های فرهنگی نیز در این دوران مورد توجه ائمه^(ع) قرار گرفته است. علی بن مهزیار، وکیل و نماینده امام جواد^(ع) می‌گوید: در سال ۲۲۰ قمری

از نظر اقتصادی فشار زیادی به شیعیان وارد شد و حکومت اموال بسیاری از آنان را به عنوان مالیات مصادره کرد. در آن سال نامه‌ای به امام جواد^(ع) نوشتم و این مشکلات را بیان کردم. امام^(ع) در جواب فرمود: «چون سلطان به شما ستم کرده است و شیعیان تحت فشار قرار دادند، امسال من خمس را فقط در طلا و نقره‌ای که سال بر آن گذشته است، واجب کردم. دیگر وسایل زندگی مانند حیوانات، ظروف، سود سالیانه، باغ‌ها و کالاها خمس ندارد. این تخفیف از ناحیه من به شیعیان است تا فشار دستگاه حاکم آنان را مستأصل نکند. (طوسی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۶۰)

امام کاظم^(ع) مزارعی احداث کرد که یکی از آن‌ها «صریا» نام داشت. تلاش‌های امام^(ع) و نظارت بر آبیاری و کشت و زرع این مکان موجب شد تا «صریا» به صورت روستایی آباد، با صفا، پر محصول، با برکت و تولیدکننده فرآورده‌های کشاورزی در آید و سرسبزی و طراوتش زبانزد خاص و عام شود. این آبادی در ۶ کیلومتری مدینه النبی قرار داشت. امام رضا^(ع) و امام جواد^(ع)، در طول حیات با برکت خود و در هنگام اقامت در شهر پیامبر، از آبادانی صریا غفلت نورزیدند. از روزگار امام هفتم^(ع)، گروهی کارگر سودانی و مراکشی در این مزرعه کار می‌کردند و هشتمین امام شیعیان بر فعالیت‌های آنان نظارت می‌کرد و با آنان مأنوس بود. امام جواد^(ع) نیز چندی در این روستا اقامت داشت (این شهر آشوب: ۱۳۷۰، ۳۸۲).

امام هادی^(ع) خمس، صدقات، زکات و دیگر اموالی را که شیعیان از نواحی گوناگون به محضر ایشان تقدیم می‌کردند، غالباً برای کمک به درماندگان اختصاص می‌داد. گاهی امام^(ع) سرمایه‌ای را به فقیران می‌داد تا با آن به کسب و کار بپردازند و با استقلال اقتصادی، عزت و آبروی خود را حفظ کنند. مسافران درمانده نیز از

امدادهای اقتصادی امام^(ع) برخوردار بودند و هیچ گاه حضرت اجازه نداد مسلمانی در مدینه گرسنه سر بر بالین نهد یا کودک یتیمی به دلیل بی سر و سامانی اشک حسرت ریزد. افرادی که فاقد سلامت جسمانی بودند نیز با کمک های امام هادی^(ع) به زندگی خود ادامه می دادند و هر گاه حضرت پولی نداشت، از افراد معتبر مبلغی را قرض می گرفت و در اختیار نیازمندان می نهاد و اجازه نمی داد گرفتاران مزبور سرگردان و افسرده شوند (مدرّسی چهاردهی، ۱۳۵۲: ۷۹-۸۹).

Archive of SID

نتیجه گیری

بر اساس مدل چرخه‌ای تحلیل سیاست‌های فرهنگی، سیاست‌گذاری از شناسایی مسئله آغاز می‌شود و در ادامه طراحی و انتخاب سیاست، اجرا و نظارت و ارزیابی آن صورت می‌گیرد. در این مقاله بر اساس این مدل چرخه‌ای تلاش شد تا زوایایی از سیاست‌های فرهنگی که امامان معصوم^(ع) این دوره داشتند، تبیین شود.

ائمه ابناء الرضا^(ع) در شرایط ویژه و متفاوتی که پس از دوران ولایت عهدی امام رضا^(ع) ایجاد شده بود، سیاست‌های فرهنگی ویژه‌ای را پیاده‌سازی کردند. مسائل فرهنگی این دوره در سه دسته تقسیم‌بندی شد: مسائل دستگاه خلافت، مسائل فرهنگ عمومی و مسائل جامعه شیعی. مسائلی که در این چند حوزه مطرح شد بی‌ارتباط با هم نیز نبود. چرا که مسائل فرهنگ عمومی بر اثر سیاست‌های دستگاه خلافت ایجاد یا تشدید می‌شد و شیعیان نیز از مسائل فرهنگ عمومی بی‌بهره نبودند.

دسته‌ای از این مسائل را می‌توان بر اساس لایه‌های مختلف فرهنگ جزو مسائل بنیادی فکری و معرفتی دانست که لایه «اعتقادات» و «ارزش‌ها»ی جامعه را هدف گرفته بود. دسته‌ای دیگر مسائلی بود که به «رفتارها» مربوط می‌شد. شکل‌گیری و ترویج افراط و تفریط در قالب اعتزال‌گرایی و اخباری‌گری در سطح کلان جامعه و انحرافات مانده واقفیه، زیدیه و غالیان در سطح جامعه شیعی، لایه‌های زیرین را هدف گرفته بود. ترویج اشرافیت و خوش‌نشینی و فساد و ناهنجاری، لایه‌های سطحی فرهنگ جامعه را دچار آسیب کرده بود. در برابر آسیب‌های بنیادین، سیاست‌هایی از قبیل: «رشد عقلانیت» و

«معرفی مرجعیت علمی اهل بیت (ع)»، «حفظ خط انتقال معارف» و «هویت سازی شیعی»، سیاست‌هایی بودند که در سطوح مختلف جامعه به اصلاح و تقویت اعتقادات و ارزش‌های جامعه نظر داشتند. در برابر آسیب‌های اخلاقی و رفتاری نیز سیاست‌هایی همچون «الگوسازی» مورد توجه قرار داشت.

سیاست «شبکه وکالت» و «پایگاه سازی معرفتی» را می‌توان علاوه بر آن که به عنوان سیاست مورد مطالعه قرار داد، به عنوان ابزار و محوری برای اجرای سایر سیاست‌ها نیز مورد تحلیل قرار داد. سازمان حکومت امامان (ع) به صورتی کاملاً درون‌زا این قابلیت را در خود داشت تا سیاست‌های مرکزی را تا دوردست‌ترین نقاط جامعه اسلامی سرایت دهد و همچنین علاوه بر پاسخ‌گویی به مسائل فرهنگی که در هر منطقه وجود داشت، می‌توانست مشکلات عمده را برای تصمیم‌گیری و دریافت راهکارهای مناسب به سطوح بالاتر سازمان منتقل کند. پایگاه‌های فکری معرفتی مانند قم نیز می‌توانست بخشی از نیاز این سازمان را بدون نیاز به ارتباط با مرکز سازمان رفع کند.

توجه به اقتصاد و سیاست در پیگیری و اجرای سیاست‌های فرهنگی نیز در این دوران مورد توجه قرار داشت. از آنجا که بسیاری از مسائل اقتصادی و سیاسی می‌تواند تاثیرات فرهنگی قابل ملاحظه‌ای داشته باشد، دلالت‌هایی از توجه و تاکید ائمه (ع) بر توجه حوزه‌های اقتصادی و سیاسی را می‌توان مشاهده کرد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۶)، التوحید، تصحیح و تعلیق: السید هاشم الحسینی الطهرانی، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية فی قم المقدسة.
- ----- (۱۳۸۶)، امالی، قم: تهذیب.
- ----- (۱۳۸۰)، عیون اخبار الرضا، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۰)، مناقب آل ابی طالب، بیروت: دارالاضواء.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۶۶)، الفهرست، ترجمه محمد رضا تجدد، تهران: امیرکبیر.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر روش سیاست گذاری فرهنگی، تهران: جامعه شناسان.
- الاصبهانی، ابوالفرج (۱۹۶۵)، مقاتل الطالبیین، نجف: مکتبه الحیدریه، چاپ دوم.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۷۸) الغدير، قم: الغدير للدراسات الاسلامیه.
- امین، سید محسن (۱۴۲۱)، اعیان الشیعه، ج ۲، بیروت: دارالتعارف.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۸۸)، سیره پیشوایان، قم: مؤسسه تحقیقاتی امام صادق (ع).
- بروجردی، حسین (۱۳۸۳)، جامع احادیث الشیعه، ج ۱، قم: المطبعة العلمیه.
- حسین، جاسم (۱۳۶۷)، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، تهران، امیرکبیر.
- الحسینی القزوينی، السید محمد (۱۳۷۷)، موسوعة الإمام الجواد ج ۱، قم: موسسه ولی عصر (عج).

- جبّاری، محمد رضا (۱۳۸۲)، سازمان و کالت و نقش آن در عصر ائمه (ع)، قم: موسسه امام خمینی (ره).
- جعفریان، رسول (۱۳۷۶)، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع)، قم: انصاریان.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰)، انسان ۲۵۰ ساله، تهران: موسسه جهادی.
- خویی، ابوالقاسم (۱۳۶۹)، معجم رجال الحديث، قم: مدینه العلم.
- شاین، ادگار (۱۹۹۷)، فرهنگ سازمانی، ترجمه محمد ابراهیم محبوب، تهران: فرا.
- شریف قرشی، یاقر (۱۳۷۱)، تحلیلی از زندگانی امام هادی (ع)، ترجمه محمدرضا عطائی، ج ۱، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ----- (۱۳۶۷)، حیاة الامام الحسن العسکری، بیروت: دارالاضواء.
- صفایی، علی (۱۳۷۸)، درس‌هایی از انقلاب، قم: لیلہ القدر.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷)، إعلام‌الوری بأعلام‌الهدی، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- ----- (۱۳۸۴)، قم: عاصمة الحضارة الشیعیة، قم: دار جواد الائمه (ع).
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۶)، الاستبصار، قم: نور و حی.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۳۶۵)، نگاهی به زندگانی سیاسی امام جواد (ع)، ترجمه سید محمد حسینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فاضلی، نعمت‌الله و مرتضی قلیچ (۱۳۹۲)، نگرشی نو به سیاست فرهنگی، تهران: اداره کل مطالعات فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران.
- قزوینی، سید کاظم (۱۳۷۳)، الامام الجواد من المهد الى اللحد، قم: مؤسسه الرساله.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۲۵)، تنمة المنتهى فی وقایع ایام خلفاء، ج ۲، تهران: کتابخانه

- مرکزی.
- ----- (۱۳۵۰)، مشاهیر دانشمندان اسلام؛ ترجمه الکنی و الالتاب، ترجمه محمدجواد نجفی، تهران: اسلامیه.
 - کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸)، اختیار معرفه الرجال، مشهد: دانشگاه فردوسی.
 - کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۰)، اصول کافی ج ۱، تهران: دارالتقلین.
 - ----- (۱۳۸۵)، فروع کافی، ترجمه صادق حسن زاده، قم: قائم آل محمد (عج).
 - شریفی، محمود (۱۳۹۱)، فرهنگ جامع سخنان امام هادی (ع)، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
 - مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار بیروت: دار إحياء التراث العربی.
 - مدرّسی چهاردهی، مرتضی (۱۳۵۲)، زندگانی دهمین پیشوای شیعه حضرت امام هادی (ع)، تهران: غدیر.
 - مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۷۴)، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 - ----- (۱۳۷۴)، اثبات الوصیّة، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
 - مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۲)، الاختصاص، بیروت: دارالمفید.
 - مقرّم، سید عبدالرزاق (۱۳۷۰)، نگاهی گذرا بر زندگانی امام جواد (ع)، ترجمه دکتر پرویز لولاور، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
 - مک گوین، جیم (۱۳۸۸)، بازاندیشی در مفهوم سیاست فرهنگی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

تحلیل و بررسی سیاست فرهنگی ابناء الرضا (امامان جواد، هادی و عسکری) ((ع)) ❖ ۴۵

- معروف حسنی، هاشم (۱۳۷۶)، زندگی دوازده امام، ترجمه محمد رخشنده، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- یونسکو (۱۳۷۶) فرهنگ و توسعه، ترجمه محمد فاضلی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.